قوای مملکتی

میهن

1-ابو جعفر طبری و حمزهء اصفهانی شاپور دوم ساسانی را می‏نویسند که شهری در خوزستان بنیاد گذارده«ایرانخره شاپور»یا «ایرانشهر شاپور»نام نهاد و مردم تازی آنرا«سوس»خواندند.1 با آنکه بی‏گفتگوست شهر شوش هزارها سال پیش از ساسانیان آباد و یکی از شهرهای بنام گیتی بوده سات.

2-حمزه و طبری و مستوفی می‏نویسند که شهر اهواز را اردشیر بابکان بنیاد گذارده«هرمز اردشیر»نامیده و تازیان«سوق الاهواز» خواندند.2با آنکه اهواز بسی پیش از اردشیر شهری آباد و نشیمن‏ زمستانی اردوان اشکانی بود و«خوزستان و جار»نامیده شدی و «سوق الاهواز»تازیان ترجمهء این نام پارسی است.

3-مستوفی«حویزه»را پدید آوردهء شاپور دوم می‏نگارد، با آنکه آن شهر چنانکه از نامش پیداست پس از ظهور اسلام و استیلای‏ تازیان بر ایران پدید آمده و پس از خرابی«نهرتیری»است که نام آن‏ در کتابها و تازیخها برده میشود.سید احمد تبریزی

قوای مملکتی

بقلم آقای مهیمن‏ رئیس محکمهء حقوق در وزارت خارجه

اعضاء رئیسه دولت را که مسئول و عهده‏دار اجرای اقتدارات ملی‏ هستند قوای عمومی یا قوای مملکتی گویند.اصل 26 متمم قانون اساسی‏ قوای عمومی را اینطور تعریف می‏نماید:«قوای مملکتی ناشی از ملت‏ (1)طبری چاپ مصر جلد دوم ص 67،سنی ملوک الارض ص 37

(2)سنی ملوک الارض صفحه 33،طبری جلد دوم صفحه 58، نزهت القلوب چاپ گیب صفحه 10.

(3)نزهت القلوب ص 10.

است.طریقهء استعمال آن قوی را قانون اساسی معین می‏نماید.»

در ازمنهء قدیمه قوای مملکتی ناشی از شخص سلطان بود که‏ با اصول کیف مایشائی مملکت را اداره می‏نمود ولی با این رژیم حقوق ملت‏ تضییع میگشت.معایب این ترتیب و نتایج سوئی که از آن حاصل شده بود بیش از پیش امور عامه را مختل کمرده علماء و دانشمندان قرن 18 را بتفکر درا ین موضوع و تهیهء وسایل استخلاص گریبان ملت از دست ظلم و تعدی‏ وادار نمود.ملت فرانسه پیش‏قراول و سلسله جنبان این افکار جدید شد، عناصر مظلوم گرد هم آمدند،شالودهء عملیات بر روی خون و آهن محکم‏ ریخته شد.انقلاب 1789 چهره‏گشائی نمود.منتسکیو Montesquieu در کتاب روح القوانین خود تنها راه نجات از عملیات کیف مایشائی را تجزیهء قوای مملکتی تشخیص داده بود و یکی از مسائلی که بیش از همه‏ مورد توجه عناصر انقلاب شده بود همین انفکاک قوی بود.بنابراین از 1789ا صل تجزیهء قوی یکی از اصول اصلیهء حقوق عمومی گشته و تمام‏ دول باستثناء انگلستان که قبل از 1789 تجزیه قوی در آن مملکت‏ برقرار بود این اصل را در قوانین اساسی خود پیش‏بینی کرده و بموقع‏ عمل گذاردند.

مؤلف مزبور قوای مملکتی را به قوه تقسیم میکند:قوهء مجریه،قوهء مقننه،قوهء قضائیه.

قوهء مجریه-اجرای قوانین را تأمین می‏نماید و از شخص رئیس‏ مملکت ناشی و با معاونت وزراء بموقع اجری گذارده میشود.

قوهء مقننه-وظیفهء اصلیهء قوهء مقننه وضع قانون است و در اغلب‏ ممالک قوهء مقننه ناشی میشود از دو مجلس:مجلس سنا ومجلس مبعوثان- تقسیم قوه مقننه بدو مجلس نیز از تأسیسات انگلستان است و سایر دول‏ مندرجا این اصل را در قوانین اساسی خود داخل نموده‏اند.

قوهء قضائیه-دعاوی و خصومت بین افراد را قطع و فصل مینماید.

هریک از این قوی دارای وظایف مخصوصی است که در موقع خود ذکر خواهد شد در هرحال قانون اساسی ما نیز این قاعدهء عمومی را پیروی کرده و در اصل 27 متمم‏ قانون اینطور نوشته سده است:«قوای مملکت به شعبه تجزیه میشود:

اول-قوهء مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه‏ ناشی میشود از اعلیحضرت و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هریک از این‏ سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت‏ با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحهء همایونی لکن وضع و تصویب‏ قوانین راجعهء بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است.

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصهء مجلس شورای ملی است.

دوم-قوهء قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات.

سیم-قوهء اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام‏ بتوسط وزراء و مأمرین دولت بنام اعلیحضرت اجری میشود بترتیبی‏ که قانون معین میکند.

انفصال قوای مملکتی

بموجب اصل 28-قوای مقننهء مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.بنابراین قوای مذکور نباید بهیچوجه در وظایف یکدیگر مداخله نمایند.قوهء مجریه نمی‏تواند مثلا قانونی را که قوهء مقننه وضع نمود تغییر-فسخ-تفسیر-نموده و یا قانون جدیدی‏ وضع نماید فقط باید با حسن نیت آنرا بموقع اجری گذارد.

قوهء مقننه که مأمور وضع قوانین است نمی‏تواند در امور محاکماتی و اجرای قوانین باستثناء محاکمه وزراء یا رئیس قوهء مجریه‏ که قوانین اساسی آنرا پیش‏بینی مینمایند مداخلاتی بنماید و همچنین‏ قوهء قضائیه باید از وضع و اجرای قوانین احتراز جوید در صورت اختلاط و تجمع قوی در دست یکنفر یا یک هیئت رشتهء انتظامات قطع و امور عامه بکلی مختل خواهد گردید.